



International Journal of Advanced Academic Studies

E-ISSN: 2706-8927

P-ISSN: 2706-8919

www.allstudyjournal.com

IJAAS 2020; 2(3): 06-10

Received: 04-04-2020

Accepted: 06-05-2020

نورالله حنیف

عضو کادر علمی دبیرانمننت ثقافت
اسلامی، پوهنچی تعلیمات اسلامی،
پوهنتون تعلیم و تربیه شهید استادربانی
کابل

حکم هبه و اهمیت آن در فقه اسلامی

نورالله حنیف

خلاصه

شیوه ی کار در این مبحث به شکل کتاب خانه ای بوده که با مراجعه به کتابهای معتبر فقهی، مسایل و موضوعات این مبحث مورد بررسی قرار گرفته است. چون عنوان بحث، بررسی هبه در فقه اسلامی می باشد؛ بناءً در این نوشتار به آیات قرآنی، احادیث نبوی و نظریات فقهای اسلام تمسک جسته شده. احکام و مسایل مربوط به هبه در پرتو آیات، احادیث و آرای فقها مورد بحث قرار گرفته که شامل تعریف هبه، دلایل مشروعیت هبه، شروط هبه، انواع و کیفیت هبه، نفقات هبه، و چگونگی تعیین ناظر بر هبه میباشد.

واژه های کلیدی: هبه ، فقه اسلامی، شروط

مقدمه

هبه یکی از بحث های اساسی در نظام اقتصادی اسلام است؛ جهت تحقق عدالت در جامعه و ایجاد برابری، شریعت اسلامی نظر به آیات قرآن کریم، احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم، اجماع امت اسلامی و دیدگاه فقهاء کرام؛ هبه یک عمل مشروع و عامل بر آن را مستحق پاداش دانسته است. دین مقدس اسلام، به ثروت مندان اجازه نمی دهد که مال و ثروت را انباشته و ذخیره به دست خویش نگاه دارند و نیاز مندان در حالت احتیاج بسر برند؛ بلکه دست گیری، احسان، نیکی، شفقت و بخشش را در برابر نیازمندان از مسؤولیت های اساسی اغنیا معرفی میکند، هبه از جمله مباحث عمده و اساسی در فقه اسلامی به حساب میرود که تضمین کننده ی حیات جامعه ی اسلامی با الخصوص فقرا می باشد. نظر به اهمیت که این موضوع دارد، به فکر آن شدم تا بتوانم در مورد مقاله ی مختصر داشته باشم تا مصدر خدمت برای علاقمندان نظام تعاون و همکاری در اسلام باشد. با استفاده از فرصت خواستم در زمینه نوشته مختصر که بیانگر هبه و چگونه گی آن در شریعت اسلامی می باشد تحریر نمایم. بناءً هدف از تحریر این مقاله روشن نمودن هبه و چگونه گی جایگاه آن در شریعت اسلامی می باشد تا با استفاده از بیان نظریات دانشمندان اسلامی و نصوص شرعی اهمیت و جایگاه آن در نظام اقتصادی تشخیص و معرفی گردد.

هدف تحقیق

پیرامون حکم هبه و اهمیت آن در فقه اسلامی، تشریح و تبیین هبه و حکم آن، در فقه اسلامی است، و شناخت هبه و احکام آن، در یک جامعه ی اسلامی و سنتی، یک امر ضروری می باشد، لذا ایجاب می کند که در این مورد مقالات علمی متعدد به رشته ی تحریر آید تا همه، مسایل که مرتبط به هبه می گردد، بدانند، و این مقاله با استفاده از شیوه ی تحقیق تحلیلی و توصیفی تحریر یافته است، که از کتب معتبر از قبیل قرآن کریم، احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم، کتب معتبر فقهی از قبیل: الفقه الاسلامی وادلته، سبل السلام، احکام هبه در فقه اسلامی، فقه السنة، الهدایة و کتب معتبر دیگر استفاده صورت گرفته است.

معنای لغوی و اصطلاحی هبه

هبه در لغت: (الْهَبَّةُ هِيَ لَعْنَةُ النَّفْسِ عَلَى الْغَيْرِ بِمَا يَنْفَعُهُ وَ لَوْ غَيْرَ مَالٍ) (۲۱: ۲۸۴).

بخشش از زیادت مال برای غیر به آنچه که برایش نفع داشته باشد اگرچه آن غیر مال هم باشد. هبه در لغت به معنای بخشش و بخشیدن و دادن چیزی به شخص دیگر بدون عوض است (۱: ۱۱۹۹).

هبه در اصطلاح هبه: (هِيَ تَمْلِيكُ الْعَيْنِ بِلَا عَوْضٍ) (۲۱: ۲۸۴).

Corresponding Author:

نورالله حنیف

عضو کادر علمی دبیرانمننت ثقافت
اسلامی، پوهنچی تعلیمات اسلامی،
پوهنتون تعلیم و تربیه شهید استادربانی
کابل

کسب نماید ، باید آنرا مجبور به بخشش و بذل اموال کند و همیشه این خصلت را از آن بخواهد و برآن مواظبت کند و با تکلف و اجبار اقدام به بذل و بخشش پی در پی نماید تا این حالت برای او عادی شود و بر او سهل و آسان گردد و سرانجام به صورت یک انسان سخی واقعی درآید.

فضیلت هبه در سنت

پیامبر صلی الله علیه وسلم مردم را به هبه فراخوانده و بدان تشویق کرده است تا وسیله ی باشد برای دستگیری ، احسان و نیکی نسبت به نیازمندان و مستحقین که در جامعه و جود دارند.

قسمیکه در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت شده است: {عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِذَا مَاتَ ابْنُ آدَمَ انْقَطَعَ عَنْهُ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ: صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ، أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُوهُ} (۱۰: ۳۹).

از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: وقتی که بمیرد اولاد آدم قطع میشود از او عمل هایش در دنیا مگر سه عمل آن، صدقه جاریه، آن علمیکه مردم از آن نفع میبرند و اولاد صالح که برای او دعا میکند (۱۱: ۱۴۰).

جمهور فقهاء در این حدیث مراد از صدقه جاریه هبه را میدانند مثل هبه و یاوقف زمین برای منافع عمومی مسلمانان مدرسه، مکتب، مسجد، سرک و همه اعمال نیک (۵: ۶۴۱).

حدیث زیر نیز بیان گر مشروعیت و محبوبیت هبه در شریعت اسلامی می باشد: {عَنْ زَيْدِ بْنِ خَالِدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ جَهَرَ غَاظِيَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَقَدْ غَزَاؤَ مَنْ خَلْفَ غَاظِيَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِخَيْرٍ فَقَدْ غَزَا} (۱۲: ۳۸۴).

از زید بن خالد رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: کسیکه غازی را در راه خداوند جل جلاله آماده بسازد، گویا که خود او نیز جهاد و غزا نموده است و کسی که از باز ماندگان مجاهد به طور شایسته سر پرستی کند، مانند آنست که خودش جهاد کرده باشد. (۱۱: ۱۷۷).

حدیث فوق تشویق و ترغیب به تعاون و همکاری نسبت به نیازمندان و امور خیر در جامعه می کند که این هم شامل هبه نیز می شود؛ زیرا هبه هم نوعی همکاری و تعاون در جامعه اسلامی می شود.

همچنان از ابوهریره رضی الله عنه روایت است: {عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَاللَّهِ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ} (۱۲: ۴۱).

از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: الله تعالی در کمک و عون بنده است، تا که بنده در عون و کمک برادر خود باشد.

همکاری به شخص مسلمان و جامعه اسلامی راه های متعدد دارد که از جمله هبه کردن اموال به خاطر تامین منافع اشخاص و جوامع اسلامی می باشد از بین بردن فقر راه های مختلف دارد، یکی از آن ها هبه کردن اموال می باشد.

بر اساس بحث فوق هویداست که هبه یک امر مشروع و محبوبیست که پیامبر صلی الله علیه وسلم بر آن دستور داده و عامل بر آن را وعده ثواب داده است.

فضیلت هبه از نظر علماء

امام بیهقی رحمت الله علیه در سنن خود بیان میدارد که جماعت

آن است که مالک عین بدون عوض باشد. واهب(بخشنده) آن چیزی را که در ملک شخصی خودش است، رایگان و بلاعوض به کسی دیگری بخشیده انتقال دهد (۲: ۸۲).

مرادف هبه، عطیه و نطه نیز می باشد. معنای لغوی و اصطلاحی هبه نزدیک وقرین هم هستند، زیرا در هر دو سپردن رایگان شی به دیگری است. هبه (بخشیدن) به خویشاوندان اگرچه مستحق هم نباشندکار مستحسن است. به خصوص در مورد پدرومادر و فرزندان در استحباب آن تأکید است و پدر و مادر اگر نیاز مندباشند؛ هبه و بخشش به آنها فرض عینی است. در هبه تأکید است بین فرزندان فرقی نگذارند؛ و به طور مساوی به آنها هبه و بخشش کند (۳: ۱۲۴۸).

حکم هبه

هبه با استناد به آیات قرآنکریم، احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم، اجماع امت، ودیدگاه فقهاء ی کرام یک امر مشروع می باشد؛ که قرار ذیل به شرح آن می پردازیم:

فضیلت هبه درقرآن کریم

خداوند تعالی در قرآن کریم می فرماید: {لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ} (آل عمران: ۹۲).

هیچگاه شما نیکی را حاصل نخواهید کرد، مگر اینکه خرج کنید از آنچه که شما دوست دارید، و از آنچه که شما خرج می کنید یقیناً الله تعالی برآن خوب دانا است (۸: ۱۲۲).

تشویق و ترغیب آیه در مورد همه انواع از صدقات نفلی و واجبی می شود. اگر چه صدقات نفلی، اختیاری و غیرالزامی است، هبه نیز یکی از انواع صدقات نفلی است که آیه مبین مشروعیت آن می باشد؛ زیرا در هبه دست گیری، احسان و نیکی نسبت به فقرا و بینوایان میباشد (۸: ۲۲۸).

در جای دیگری خداوند تبارک و تعالی پیرامون صدقات نفلی می فرماید: { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَنِّي حَمِيدٌ} (بقره: ۲۶۷).

ای کسانی که ایمان آورده اید! از قسمت های پاکیزه ی اموالی که از طریق تجارت به دست آورده اید و از آنچه از زمین برای شما بیرون آورده ایم، انفاق کنید و به سراغ چیزهای ناپاک نروید ، تا از آن ببخشید؛ در حالی که خود شما حاضر نیستید آن چیزهای پلید را دریافت کنید مگر با اغماض و چشم پوشی در آن، و بدانید که خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است (۸: ۶۷۴).

آیه فوق نیز بیان گر فضیلت انفاق است که شامل تمام انواع آن میشود، اعم منقولات و غیر منقولات تمام اموال که از طریق مشروع کسب گردیده است را شامل می گردد. و هبه چون یکی از انواع صدقات نفلی است و خداوند جل جلاله بر آن تأکید نموده است بنا ء هبه یک عمل مشروع و مجاز بوده که فاعل آن مستحق پاداش و اجر نیز می شود.

رسیدن به درجات عالی از طریق مجاهده، کسب، تلاش وریاضت می شود.

منظوراز ریاضت وادار ساختن نفس به انجام اعمالی است که درجات عالی و نیکو آنها را ایجاب می نماید برای مثال ، کسی که می خواهد خصلت بخشنده گی وسخاوت را برای نفس خود

وگروهی از اصحاب کرام هبه را انجام داده اند از آن جمله ابوبکر صدیق، زبیر بن العوام، عمرو بن العاص و زید بن ثابت رضی الله عنهم اجمعین می باشند (۶: ۹۶). همچنان امام قرطبی رحمت الله علیه می گوید که کسی که هبه را مخالفت ورد میکند در حقیقت از اجماع امت اسلامی مخالفت ورزیده است؛ بناءً نباید به او التفاتی نمود (۶: ۹۴).
(وَسَبِّهَا إِزَادَةُ الْخَيْرِ لِلْوَاهِبِ ذُنُوبِي كَالْعَوْضِ وَحَسْنِ النَّتَاءِ وَالْمَحَبَّةِ مِنَ الْمُؤْهَبِ لَهُ وَأُخْرَوِي) (۲۱: ۲۸۴).
 سبب از اختیار نمودن هبه برای واهب به دست آوردن دوهدف است: یک دنیای مانند ادای احسان، نام نیکو، اظهار همدردی بادیگران و دیگر اخروی تازخره ثواب بزرگ باشد به نزد خداوند.

شروط هبه

هبه نیز مثل سایر عبادات دارای شرایطی است که بدون موجودیت آن شرایط هبه متحقق شده نمی تواند، در ذیل به شرایط آن اشاره میشود:

1. هبه کننده مالک و آزاد باشد: بناءً لازم است که هبه کننده غلام نباشد. مالی را که می خواهد هبه کند ملکیت تام هبه باشد (۴: ۱۸۹).
2. هبه کننده عاقل باشد: بر اساس این شرط باید هبه کننده از عقل کامل برخوردار باشد از ناقص العقل بودن، مجنون بودن و غیره موارد که تعقل فرد را زیر سوال میبرد سالم باشد (۴: ۱۹۰).
3. زیرا فقهای اسلامی می گویند: شخصی که از نگاه صخرسن، معنوه بودن یا جنون بودن غیرممیز باشد، نمی تواند معاملات حقوقی را انجام دهد (۷: ۷).
3. هبه کننده بالغ باشد: هبه کننده باید بالغ باشد تا اختیار تام را در مورد تصرف اموال خویش از دید فقه کسب کرده باشد در غیر آن حق ندارد مالی را هبه نماید (۱۳: ۳۳۰).

شروط موهوب

1. بقای اصل شی در صورت استفاده از منافع آن: شی هبه شده باید از نوعی باشد که استفاده از منافع آن واصل آن قابلیت استفاده و نفع را داشته باشد (۱۴: ۱۲۳).
2. شی موهوب معلوم و موجود باشد: شی موهوب موجود و قابل استفاده باشد، هبه مجهول و معدوم جواز ندارد زیرا شی معدوم قابل استفاده و نفع بردن نیست، چنین هبه باطل است چون هبه، تملیک قطعی قابل اجرا و فوری است (۴: ۱۹۸).
3. شی موهوب حلال بوده در عمل مشروع مورد استفاده قرار گیرد؛ چون عمل هبه قربت، اطاعت و نزدیکی به الله جل جلاله است، ارتکاب معصیت برعکس آن دوری از الله جل جلاله است. به همین خاطر مال مشروع برای عمل مشروع باشد (۱۳: ۳۳۸).

شروط موهوب علیه

موهوب علیه نیز باید دارای شرایط زیر باشد: موهوب علیه اهلیت تملیک رداشته باشد، با در نظر داشت اختلاف که فقها در مورد دارند یکی از شرایط هبه داشتن اهلیت موهوب علیه می باشد (۴: ۲۰۹).

شروط صیغه هبه

1. تأیید: از دید اکثر فقها مقید کردن هبه به مدتی جایز نیست

تنها کافی است صیغه هبه بر معنی تأیید شامل آید و مشروط به شرطی نباشد.
 2. تنجیز: باید صیغه هبه منجز و قطعی باشد، مقید به شرط و مضاف به هبه در آینده نباشد؛ تعلیق آن بر شرط مانند بیع از دیدگاه جمهور جز مالکیه جایز نیست (۱۳: ۳۳۵).
 3. الزام: گذاشتن شرط در صیغه هبه جایز نیست بناءً لازم است که هبه بدون هیچ گونه شرط خیار انجام شود (۴: ۲۲۲).
 پس بدون رعایت شروط مذکور، هبه جایگاهی اصلی خود را از دست داده باطل میشود، مقصود و اهداف اصلی هبه را نمیتوان بدون موجودیت شروط فوق حاصل نمود.

ارکان هبه

هبه نیز مثل سایر عبادات دارای ارکانی است در ذیل ارکان هبه را از دید فقهاء کرام به بررسی میگیریم:
 1. امام ابوحنیفه رحمه الله علیه گفته است: رکن هبه تنها صیغه ی است که دلالت بر انجام هبه میکند. از نظر امام ابوحنیفه رحمت الله علیه رکن هبه فقط ایجاب و قبول است که از هبه کننده صادر می شود؛ بنا برقول امام صاحب هبه همانند وصیت با اراده ی یک شخص که همانا هبه کننده است تحقق میابد (۴: ۱۰۹).
 2. نظر جمهور این است که برای هبه چهار رکن وجود دارد: وا هب (هبه کننده)، موهوب (شی هبه شده)، موهوب علیه (کسی که بر او هبه صورت گرفته است) و صیغه (لفظی است که بر معنی هبه دلالت میکند) (13: ۱۳۵).

انواع هبه

هبه با در نظر داشت ابعاد و کاربرد آن دارای اقسامی است که در زیر به شرح آن می پردازیم:
 هبه بر دو نوع است: مورد اول هبه با الیدل است که بخشش کننده در هنگام عقد به موهوب (گیرنده) شرط گذارد، عوض چیزی را که به او می دهد او نیز عوض آن را رایگان به بخشش گر بدهد. یا این که موهوب بدون شرط بخشش گر، چیزی در مقابل بخششی که گرفته رایگان به بخشنده بدهد.
 مورد دوم هبه غیریدل که بخشش کننده در هنگام عقد هبه، شرط پرداخت عوض بر موهوب نکرده باشد و موهوب هم چیزی در عوض هبه به بخشش کننده پرداخت نکند (۴: ۱۶۷).
 هبه براغنیا

در صورت که شخص هبه کننده شرط کند که این شی جز به اغنیا و ثروتمندان داده نشود؛ علما در مورد این گونه هبه اختلاف دارند:

برخی از فقها میگویند چون این گونه هبه معصیت نیست بناءً جواز دارد، برخی دیگری از فقها میگویند چنین هبه جواز ندارد زیرا از چنین هبه نفع اجتماعی در دنیا متصور نیست بناءً اجر اخروی را نیز در قبال نخواهد داشت.

از جمله این تیمیه گفته است: این نوع هبه اسراف و تبذیر که باید از آن خود داری شود. همچنان چنین هبه زمینه دست به دست شدن مال در دست ثروتمندان را مساعد می سازد که مخالف دستور شرعی می باشد، از طرفی هم ملزم ساختن انسان به چیزی که واجب نباشد بدون منفعت، سفاهت و تبذیر می باشد (۱۴: ۲۰۸).

هبه کردن در بیماری مرگ

هرگاه کسی در بیماری مرگش چیزی را بر غیر ورثه اش هبه

کند، مانند وصیت از ثلث متروکه اش اعتبار می گردد، نیازی به رضایت وارثان ندارد مگر اینکه از ثلث دارانش بیشتر باشد، که در آن صورت نیاز به اجازه وارث می باشد در غیر آن هبه از ثلث متروکه اجرا می شود (۴: ۱۹۵).

ارزش شیئی موهبه

اجماع فقها بر این است که شی موهوب باید مال ویا دارای نفع بوده تعریف مال بر آن صدق کند برابر است که این مال منقول باشد و یا غیر منقول، علمای احناف و شافعی رحیم الله گفته اند هر چیزی که انتفاع از آن با بقای اصل آن ممکن بوده قابلیت بیع را داشته باشد، هبه آن نیز درست است؛ دلیل شان این است که مقتضای هبه نفع است (۱۵: ۱۷۵).

اما در نزد امام ابو حنیفه رحمة الله علیه هبه اموال منقول در صورت جواز دارد که تابع عقال باشد مثل درخت که برای غرس در زمین می باشد، یا در مورد، نص صریح وجود داشته باشد مانند: سلاح، اسب ویا عرف بر آن جاری شده باشد مانند هبه کتاب، مصحف، دیگ، اسباب جنازه، دنانیر، درهم و غیره (۱۷: ۲۷۷).

به دلیلی فرموده ی پیامبر صلی الله علیه وسلم: "عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عُمَرَ عَلَى الصَّدَقَةِ الْحَدِيثِ، وَفِيهِ: (فَأُ مَا خَالِدٌ فَقَدْ احْتَبَسَ أَدْرَعَةَ وَأَعْتَادَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ" (۹: ۴۰).

شمانسبت به خالد مرتکب ظلم می شوید، او اسلحه ، سواری وادوات جنگی خود را در راه خداوند جل جلا له هبه و بخشیده است (۱۱: ۱۳۸).

انتهای هبه

انتهای هبه به درخواست اشخاص ذی علاقه و یا هم قرار محکمه صورت میگیرد، اما ملکیت مال موهوبه بعد از انتهای هبه در صورت که شخص هبه کننده زنده باشد به خود وی ودر غیر آن به شخص انتقال می یابد که درحین انتهای هبه مستحق شناخته شده باشد (۱۸: ۲۰۸).

تبدیل هبه

تبدیل هبه از دید فقها مجاز و درست است ، این تبدیل به گونه ممکن است که شی موهوبه قابلیت استفاده را نداشته باشد، نیاز باشد تا با استفاده از قیمت آن جانشین آن تهیه شود ویا هم در صورت تبدیلی شی موقوف منافع بیشتر حاصل شود، در هر دو حالت هبه و یا شخص ناظر بر و مسول بر هبه شی موهوبه را تبدیل نماید.

قسمیکه امام احمد روایت کرده است که عمر بن خطاب رضی الله عنه مسجد قدیمی کوفه را به جای دیگری منتقل ساخت، جای آنرا به صورت بازار خرما فروشان درآورد.

و یا هم در روایتی دیگری آمده است که به عمر رضی الله عنه خبر رسید که بیت المال را سرقت کرده اند؛ لذا به حضرت سعد رضی الله عنه نامه نوشت که جای مسجد را به بازار خرما فروشان تغییر ده و بیت المال را در جهت قبله آن قرار بده چون همواره درمسجد نمازگذار است احتمال سرقت نمی رود. حضرت عمر و حضرت عثمان رضی الله عنهم مسجد حضرت محمد صلی الله علیه وسلم را باز سازی کردند بر غیر بنای اولیه آن و برآن افزودند؛ لذا تغییر بنا و ساختمان موهوبه از صورتی به صورت دیگر به جهت مصلحت بهتر جایز است (۱۷: ۲۸۰).

بر اساس استدلال فوق در صورت که مصلحت در تبدیل هبه باشد مجاز و مشروع بوده قسمیکه اسلاف امت این امر را انجام داده اند.

ناظر هبه

برای متحقق شدن هدف هبه و کاربرد آن به شکل درست جهت نایل شدن به امور خیریه در جامعه ، نیاز است که ناظری بر هبه وجود داشته باشد تا از چگونه گی عملی شدن آن نظارت نماید تا نتایج بهتر طبق خواست شخص واهب حاصل گردد. اینک پیرامون چگونه گی تعیین ناظر، شرایط، وظیفه، و عزل آن از دید گاه فقهاء می پردازیم:

تعیین ناظر

درنزد مالکی ها بر واهب لازم است تا تعیین ناظر را در جریان هبه شرط نماید، در صورتیکه واهب تعیین ناظر را شرط نگذاشته باشد و یا هم شخصی را به عنوان ناظر تعیین نکرده باشد قاضی به صفت ناظر پنداشته می شود (۱۹: ۱۰۵). از نظر حنابله در صورتیکه واهب ناظر تعیین نکرده باشد ، شخص موهوب علیه ناظر بر هبه پنداشته می شود، اما در صورتیکه ناظر تعیین کرده باشد، شخص تعیین شده ناظر می باشد.

اگر شخص تعیین نشده باشد، مانند: فقرا، مساکین و علما درین صورت ناظر، حاکم ویا نایب وی میباشد چراکه درآن مالکی معین وجود ندارد (۱۹: ۱۰۶).

از دید فقهای حنفی ولایت بر هبه کننده میباشد، برابر است که شخص واهب شرط کرده باشد ویا شرط نکرده باشد؛ نهایتاً در صورت نبود اینها ولایت و نظارت برحاکم خواهد بود (۴: ۲۴۶).

نتیجه گیری

از تحقیقی که در زمینه صورت گرفت به این نتیجه می رسیم که:

- هبه یکی از وسایل تحقق مساوات و برابری در امور مالی ودرعین حال یک نظام اقتصادی برای فقرا وجامعه می باشد.
- هبه خود صدقه جاریه یی است برای جامعه، بناءً در صورت وجود خویشاوندان مستحق این عمل از خویشاوندان آغاز شود.
- هبه باید درامور عام المنفعه صورت گیرد؛ تا منافع آن باری عامه باشد.
- هبه صدقه یی است که مشروع بوده، ومنفعت آن در راه عام به مصرف رسانیده شود بهتر است.
- هبه بردنوع است یکی اینکه چیزی در راه الله جل جلاله هبه شود واز آن هیچ نوع منفعت نبردارد؛ دیگری آنست که ازفائده آن منفعت حاصل شود.
- چیزی که هبه میشود نباید ازمال حرام باشد چراکه معنی هبه قربت و نزدیکی به الله جل جلاله میباشد.
- هبه براغنیا به قول راجع جواز ندارد؛ زیرا این نوع هبه اسراف و تبذیر بوده و دست به دست شدن اموال به ثروت مندان است، خداوند جل جلاله از این منع کرده است.

Abstract

The research method this topic is qualitative that seen different books of Feqa from library to discuss about the

gift. However, the topic of this paper is evaluation of bounty in Islam. So, in this paper the contents of bounty take from Ayat Qurhan, speech of prophet and theories of Islam scholars. The contents of this paper is discussed about definition of bounty, reasons of legitimation bounty, conditions of bounty, kind of bounty, quality of bounty and how to follow the bounty to arrive the destinations.

كنز الدقائق. ج ٧. حلب: دار الكتب العربي الكبرى.

مأخذ

1. قرآن كريم.
2. عميد، حسن. (١٣٧٩). فرهنگ فارسی عميد. تهران: نشر احسان.
3. الهنائي، علي بن الحسن. (١٩٨٨). المنجد في اللغة. قاهره: عالم الكتب. الطبعة الثانية.
4. الزحيلي، وهبة. (١٩٨٤). الفقه الاسلامي وادلته ج ١٠. محله جنگي پشاور: مكتبه فريديه. الطبعة الرابعة.
5. زحيلي، وهبة. (١٣٩٠). احكام وصيت ووقف ووقف در فقه اسلامي. مترجم: ايوبى نيا، خالد. چاپ اول. نشر مؤسسه انتشاراتى حسيني .
6. صنعاني، محمد بن اسماعيل امير. (٢٠٠٧م). سبل السلام ج ٢. بيروت: دار الكتاب العربي. الطبعة السابع.
7. بغدادى، محمد علي. (١٣٨٨). وقف در آئينه فقه وقانون. مترجم: فروتن، شمس الرحمن. كابل: نشر وزارت ارشاد، حج و اوقاف.
8. صارم، محمد اشرف. (١٣٨٤). قانون مدنى افغانستان. چاپ اول. خيابان شهداء: انتشارات قدس.
9. عثمانى، مفتى محمد شفيع حمه الله. (١٣٨٥). معارف القرآن ج ٢. مترجم: حسين پور، محمد يوسف. مصحح: حميد، نقيب الله. پشاور: مكتبه فاروقيه.
10. مخلص، عبدالرؤف. (١٣٨١). انوار القرآن ج ٣. چاپ اول. تهران: انتشارات احمد جام.
11. النيسابورى، مسلم بن الحجاج ابوالحسن القشيري. (١٣٧٥). الصحيح المسلم ج ٢. بيروت: دار احياء التراث العربى.
12. فيروز، عبدالرحيم. (١٩٧١). فيض البارى شرح مختصر صحيح البخارى ج ٤. بيروت: دار الكتب العلميه.
13. ابو عبدالله، محمد بن اسماعيل. (١٩٨٤). الصحيح البخارى ج ١. بيروت: دار ريان.
14. سابق، سيد. (١٣٧٣). فقه السنة ج ٤. مترجم: ابراهيم، محمود. نشر سقر.
15. عاشور، احمد عسى. (١٣٨٠). فقه آسان. پشاور: نشر سيلاب.
16. مرغينانى، برهان الدين ابى الحسن على بن ابى بكر (٢٠٠٨). الهداية ج ٤. لاهور، باكستان: مكتبة الحرمين.
17. رحمانى، خالد سيف الله. (١٣٨٨). مسائل فقه معاصر. مترجم: حليم، يحيى. پشاور: مكتبه فاروقيه.
18. سلطاني، سلطان شاه. (١٣٨٨). قواعد كلييه فقهي. چاپ اول. مزار شريف: انتشارات الماس.
19. تهانوى، اشرف على. (١٣٨٣). زيورى جنتى. مترجم: عبدالماجد. پشاور: مكتبه فاروقيه.
20. طاهرى، حفيظ الله. (١٣٨٤). خلاصة المسائل فقه حنفى. تهران: انتشارات شيخ الاسلام.
21. ندوى، مولانا مجيب الله. (١٣٧٨). فقه اسلامي. ترجمه: همكار، گل ملا. پشاور، انتشارات سيلاب.
22. زين الدين ابن النجيم الحنفى. (٢٠١٠). بحر الرايق شرح